

مصحف

امام علی (ع)

۶۴

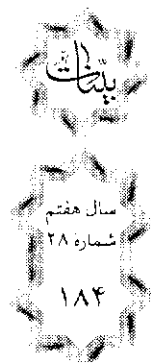
بهاء الدین خرّمشاهی

چنانکه در خلال این مقال ملاحظه خواهید فرمود، محققان فریقین و مورخان قرآن [متخصصان و محققان در تاریخ جمع و تدوین مصاحف امام / عثمانی، و سایر مصاحف بعضی از صحابه] اعم از مسلمانان و اسلامشناسان غیر مسلمان، در این واقعیت تاریخی تردیدی ندارند، بلکه آن را به تواتر نقل کرده اند که حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) اولین گردآورنده قرآن کریم، قبل از جمع و تدوین عثمانی (مصاحف امام) به سرپرستی زید بن ثابت، بوده است.

این واقعیت، نه استنباطی، نه عقیدتی، بلکه تاریخی-تحقیقی است و اگر بحثی هست-که فراوان هست- در جزئیات و سرنوشت آن است. در این گونه مسائل است که:

- (۱) آیا حضرت (ع) قرآن کریم را در ۳ روز جمع و تدوین کردند، یعنی بین الدفتین/مانند کتاب امروزین در میان دو جلد قرار دادند، یا در شش ماه؟
- (۲) آیا منظور از جمع، حفظ به معنای «از بر کردن» است، یا تدوین.
- (۳) ترتیب سوره ها در مصحف حضرت (ع) بر حسب نزول بوده است یا بر وفق مصاحف / مصحف عثمانی؟

- (۴) آیا اضافات تفسیری داشته است؟ و اگر داشته آیا داخل متن بوده است یا در حاشیه؟
- (۵) آیا متذکر ناسخ و منسوخ و شأن نزول و توضیح محکمات و متشابهات شده بوده است





[و اگر شده در حاشیه یا کناره متن و نص مقدس قرآن بوده، و در مواردی که متعرض شأن نزول شده، آیا نام‌های مبهم - بدون تصریح در متن قرآن - را به ویژه در مورد منافقان آشکار ساخته است؟]

۶) آیا آیات ناسخ در ابتدا آمده یا آیات منسوخ.

پاسخ به یکایک این سؤالات در تواریخ (مهم تر و کهن تر از همه، تاریخ یعقوبی، ابن واضح (م ۲۸۴ق) - که به فارسی هم توسط شادروان محمد ابراهیم آیتی ترجمه شده است - و کتابنامه‌ها کتابها و آثار قرآنی و تاریخ‌های قرآن، از المصاحف سجستانی (۲۳۰ - ۳۱۶ ق) تا الفهرست ابن ندیم (م ۳۸۰ ق) تا تفسیر شهرستانی (م ۵۴۸ ق) تا اتقان سیوطی (م ۹۱۱ ق) (دارای چند ترجمه فارسی) تا بحار الانوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) تا تاریخ‌های جدید قرآن مانند تاریخ قرآن نولدکه (۱۸۳۶ - ۱۹۳۰ م) (به آلمانی)، و تاریخ قرآن ابو عبد الله زنجانی (م ۱۳۶۰ ق) (به عربی، دارای ترجمه فارسی) و تاریخ القرآن عبدالصبور شاهین (معاصر) و تاریخ‌های استادان محمود رامیار و دکتر محمدباقر حجتی و منابع قدیم و جدید دیگر آمده است.

حال برای یافتن پاسخ این سؤالات و مسائل و ابهامات به منابع قدیم و جدید مراجعه می‌کنیم، تا حتی المقدور تصویر تاریخی روشن تر و روشنگری، از مصحف مولا علی علیه السلام - نخستین مصحف گرد آمده پس از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله - به دست آوریم.

ابن واضح یعقوبی در تاریخ خود بحث نسبتاً مشبعی درباره این مصحف شریف و شکل و ساختار آن دارد. می‌نویسد که گفته اند علی بن ابی طالب علیه السلام پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله آن [مصحف] را فراهم ساخت و بر شتری نهاده آورد و [به احتمال نزد جمعی از کبار صحابه یا لجنه / گروهی که عثمان به سرپرستی زید بن ثابت برای جمع و تدوین قرآن کریم مأمور ساخته بود] گفت: هذا القرآن قد جمعته (این قرآن است که آن را فراهم کرده‌ام) و آن را به هفت جزء بخش کرده بود.

سپس هفت جزء را به تفصیل با ذکر اسامی سوره‌ها یاد می‌کند. مترجم فاضل این تاریخ معتبر، شادروان محمد ابراهیم آیتی در پانوشتی که مربوط به تعداد سوره‌هاست چنین آورده است:

«همه این سوره‌ها ۱۰۹ سوره است و ۵ سوره از نسخه افتاده است.»^۱

شادروان استاد محمود رامیار در تاریخ قرآن خود، هم مفصل‌ترین و هم مستندترین و هم انتقادی‌ترین بحث را درباره مصحف حضرت علیه السلام و آرا و نظار و اقوال دیگران، به میان آورده است. او درباره یعقوبی و تاریخش و اشاره و اطلاعاتش درباره مصحف حضرت علی علیه السلام چنین نوشته است:

... منبع دیگری که داریم تاریخ یعقوبی (ابن واضح) است. این کتاب حوادث تا سال ۲۵۱ هجری

را دارد. کتاب بسیار معتبری هم هست. اما صد افسوس ترتیبی که او نقل می کند با هیچ روایت و درایتی همخوان نیست. [سپس هفت جزء را تفصیلاً نقل می کند، و در ادامه می آورد:] ... همه این سوره ها ۱-۹ سوره است و پنج سوره ای که یادداشت نشده عبارت است از: فاتحة الكتاب، الرعد ۱۲، سنا ۲، التحريم ۶۶، العلق ۹۱.

جز این ترتیب، یعقوبی به ترتیب دیگری نیز اشاره می کند که علی علیه السلام فرمود: قرآن به چهار جزء نازل شد. یک چهارم درباره ما، یک چهارم بر [علیه] دشمنان ما، یک چهارم مثلها و یک چهارم محکم و متشابه.

اما واقع این است که این وصف یعقوبی و تقسیم بدان ۷ جزء، بسیار غریب می نماید. چیزی که جمله مورخان و راویان گفته اند ترتیبی است بر حسب نزول، و مشتمل بر شأن نزول [ها] و توضیح بسیاری از مبهمات قرآن. اما این وصف، همه آن سخنان را در هم می ریزد... بیشتر اخبار و روایات حاکی از آن است که مصحف علی علیه السلام به ترتیب نزول گردآوری شده بود. یعنی مثلاً اول سوره اقرأ ۹۶؛ بعد المندر ۷۴... تا آخر. اما درباره اینکه شامل چه بوده و آیا تنها حاوی متن قرآن بوده و یا شأن نزول و ناسخ و منسوخ را نیز داشته است سخنان مختلفی گفته اند.

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی از مردم نیست که بگوید قرآن را چنانکه خداوند نازل فرموده جمع کرده ام، مگر اینکه دروغ گفته باشد. قرآن را به ترتیب نزول کسی جمع و حفظ نکرد مگر علی بن ابی طالب. این سخن از اهل بیت است و آخرین سخن، ولی از جزئیات آن آگاهی بیشتری نداریم... روایت جالب توجهی هم هست که دو سوره [غیر اصیل] «خلع و حقد» را به علی علیه السلام نسبت می دهد... خلاصه اینکه گفته اند مصحف امیر مؤمنان علی علیه السلام به ترتیب نزول آیات گردآوری شده و شأن نزول آیات و اوقات نزول و تأویل متشابهات را داشته و ناسخ و منسوخ را تعیین کرده و عام و خاص و کیفیت قرائت را بیان می داشته است. اما اختلاف قرائت هایی که قاریان قرآن از مصحف یا قرائت امیر مؤمنان باز گفته اند و به ما رسیده، بیشتر اختلاف لهجه ای و تجویدی است. جز سه مورد که یکی در سوره والعصر ۱۰۳ است و اختلاف زیاد است. دو مورد دیگر در اعراف ۳۲/۷ و شعراء ۲۶/۲۱۵، جملاتی به توضیح و تفسیر اضافه دارد، و ما واقعاً نمی دانیم که نسبتاً تا چه حد می تواند درست باشد. آنچه در سوره والعصر به علی علیه السلام نسبت داده شده با قرائت رایج کنونی فرق بسیار دارد؛ در صورتی که می دانیم قرائت کنونی نیز به علی علیه السلام می رسد. پس در اصالت این نقل قول ها جای گفت و گو بسیار است... امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: کتابی نزد ماست به املاي رسول اکرم و خط علی علیه السلام ۳۱

او سپس دو بحث مهم دیگر مطرح می‌کند. (۱) امضای مصحف منسوب به حضرت «کتبه علی بن ابوطالب» است حال آنکه، طبق قاعده نحوی باید «علی بن ابی طالب» باشد، اما با استناد به مدارک کهن و منقولات اصیل ثابت می‌کند که این نحو کاربرد، در صدر اول اسلام و حتی اندکی پیش از ظهور اسلام سابقه داشته و لذا از عداد ادله انکار نسبت صحت مصحف به حضرت علی علیه السلام خارج است. ۴

اما با وجود این، صحت انتساب به ادله مثبتیه نیاز دارد. سخن دوم ایشان این است که چندین [شاید بیش از ده] نسخه خطی به عنوان مصحف علی علیه السلام معروف است، و همه به خط کوفی است و بر پوست [آهو] و عقلاً بعید است که حضرت علیه السلام چندین نسخه از قرآن کریم کتابت کرده باشند. شادروان رامیار سپس ادله وجود تعدد مصاحف منسوب به حضرت علیه السلام را بر می‌شمارد. ۵

دومین منبع مهم و کهنی (از قرن سوم هجری) که اشاراتی درباره مصحف مولا علی علیه السلام دارد کتاب المصاحف، اثر سجستانی (۲۳۰ - ۳۱۶ ق) است. نام کامل او حافظ ابوبکر عبدالله بن ابی داود سلیمان بن اشعث است.

(درباره او و جایگاه و پایگاه بلند قرائت شناسی و قرآن پژوهی او نگاه کنید به: الاعلام زرکلی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی و مقدمه همین کتاب [المصاحف] که به کوشش اسلام شناس و قرآن پژوه نامدار انگلیسی، آرتور جنری- صاحب آثار عدیده قرآنی از جمله واژه‌های دخیل در قرآن مجید، که استاد فریدون بدره‌ای به فارسی ترجمه کرده‌اند، تصحیح و چاپ شده است.)

سجستانی در این کتاب، ذیل عنوان «جمع علی بن ابی طالب رضی الله عنه القرآن فی المصحف» می‌نویسد: «عبدالله از قول محمد بن اسماعیل احسی و او از قول ابن فضیل و او از اشعث و او از محمد بن سیرین [۳۳ - ۱۱۰ ق، تابعی، اهل بصره و از بزرگ‌ترین فضیلاتی زمان خود در اغلب علوم اسلامی، صاحب کتاب تعبیر الرؤیای معروف. ر. ک. اعلام زرکلی که دهها منبع کهن درباره او یاد کرده است] برای ما [مع الواسطه] روایت کرده است که چون نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در گذشت، علی علیه السلام سوگند یاد کرد که ردایی بر دوش نگیرد [= جامه نپوشد و از خانه بیرون نرود] مگر برای شرکت در نماز جمعه تا آنکه قرآن را در مصحفی جمع آورد، و این کار را انجام داد؛ پس از چند روز ابوبکر کسی را به دعوت او فرستاد [و چون حضرت نزد او رفت، گفت: یا اباالحسن آیا از امارت من ناخشودی / اگراه داری؟] حضرت علیه السلام گفت به خدا سوگند چنین نیست، مگر اینکه سوگند خورده‌ام که جامه‌ای نپوشم [و از خانه بیرون نروم] جز برای نماز جمعه [تا قرآن را گرد آورم]، آنگاه با او مصاحفه کرد و بازگشت. [سپس در میان قلاب که حاکی از افزایش مطلب از یک نسخه و مسائلی نظیر آن است چنین آمده است:]

ابوبکر - یعنی سجستانی - گوید مسأله (وجود و جمع) مصحف را هیچ کس جز اشعث یاد نکرده است و سخن او استوار نیست؛ و گفتنی است که گفته‌اند عبارت «... تا آنکه قرآن را جمع کنم» یعنی حفظ / از بر کردن آن را کامل کنم؛ چرا که [به یک تعبیر] درباره کسی که قرآن را حفظ می‌کند، می‌گویند قرآن را جمع کرده است.^۶

سومین منبع کهن و معتبر (از قرن چهارم هجری) که به مصحف امیر المؤمنین علی علیه السلام اشاره دارد، فهرست ابن ندیم (م ۳۸۰ ق) است. او در مبحث «گردآوردگان قرآن در زمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله اول «علی ابن ابی طالب رضوان الله علیه» را نام می‌برد.^۷

همو در ذیل مبحث پیشگفته، این مبحث را دارد: «ترتیب سور القرآن فی مصحف امیر المؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه: ابن المنادی گوید: حسن بن عباس به من گفت از طریق عبدالرحمن بن ابی حماد از حکم بن ظهیر سدوسی از «عبدخیر» با خبر شدم که درباره علی علیه السلام چنین گفت که او هنگام وفات نبی اکرم (صلعم = صلی الله علیه و آله) شاهد نگرانی و بددلی [= به دل خود بد آوردن، فال بد زدن] مردم شد، لذا سوگند خورد که ردایش را از دوشش بر نگیرد تا آنکه قرآن را جمع کند. آنگاه سه روز در خانه اش نشست تا قرآن را گرد آورد؛ و آن نخستین مصحفی است که در آن قرآن از حفظ [= حافظه] او جمع و تدوین شده است [یا: ... قرآن را از حفظ / حافظه خویش جمع کرده است]. و این مصحف نزد خانواده جعفر بوده. و من خود در زمان خویش در نزد ابویعلی حمزه الحسنی - رحمه الله - مصحفی دیدم که به خط علی بن ابی طالب بود، و صفحاتی از آن افتاده بود / افتادگی داشت، و آن را خاندان بنی / بنو حسن به مرور زمان، به شیوه توارث / ارثی [نسل اندر نسل] نگاهداری می‌کردند؛ و ترتیب سوره‌ها در این مصحف از این قرار است...» [آری، متأسفانه دنباله مطلب مربوط به اسامی و ترتیب سوره‌ها از این کتاب معتبر ساقط شده است و معلوم نیست چه عمد و قصدی در کار بوده است].

یکی از مدارک مهم و نویافته‌ای که شرح قابل توجه و اضافه بر منابع کهن دیگر درباره مصحف امیر المؤمنین - صلوات الله علیه - در بردارد، تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الأبرار اثر متکلم جلیل‌القدر محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م ۵۴۸ ق)، صاحب ملل و نحل معروف است که خود را در کلام اشعری و در فقه پیرو مذهب شافعی فرا می‌نموده، و با کشف و سپس چاپ عکسی این کتاب در ۲ جلد (تهران مرکز نشر نسخ خطی)، و چاپ حروفی انتقادی آن که تاکنون یک جلدش به تحقیق و تعلیق دکتر محمد علی آذر شب در سال ۱۳۷۶، به همت مرکز نشر میراث مکتوب انتشار یافته، معلوم و مسلم شده است که گرایش جدی شیعی (احتمالاً اسماعیلی) دارد. او در فصل دوم مقدمه که در کیفیت جمع قرآن مجید است، از اهمیت مصحفی که در

دست امیر المؤمنین بوده است سخن می گوید و می نویسد که آن حضرت علیه السلام در آن نسخه، اسراری به اشارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله - یعنی تفسیر وار - افزوده بوده است. سپس همو (شهرستانی) صحابه ای را که جمع قرآن را بر عهده داشتند، ملامت می کند که چرا نسخه حضرت را رها کردند و نپذیرفتند. سپس می نویسد:

... و اولی علیه السلام چون از کفن و دفن پیامبر صلی الله علیه و آله فارغ شد سوگند خورد که ردایی بر دوش نکیرد. جز برای نماز جمعه، تا آنکه قرآن را جمع کند. چرا که به این امر به نحو جازمی مأمور بود. سپس آن را چنان که نازل شده بود [یعنی به ترتیب نزول] بدون تحریف و زیاده و نقصان جمع کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله از پیش به مواضع ترتیب و وضع و تقدیم و تأخیر آیات و سوره ها اشاره کرده بود...^۸ سپس نکته بی سابقه ای که شاید در هیچ منبعی اشاره نشده باشد، به میان می آورد و می نویسد:

... و گفته اند مصحف او دارای متن و حواشی بوده است...^۹

و به دنبال آن چنین می آورد:

و گویند وقتی از جمع آن فارغ شد، به کمک غلامش قنبر آن را به نزد مردم (بزرگان صحابه) بردند که در مسجد بودند. آنها این مجموعه را به دشواری حمل می کردند و کویند به اندازه بار شتری بود. حضرت علیه السلام به ایشان گفت: این کتاب الله است، به گونه ای که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است، آن را بین دو جلد (لوح) جمع آورده ام. آنان گفتند، مصحف را بردار و ببر، ما به آن نیازی نداریم. حضرت علیه السلام گفت، بخدا دیگر هرگز آن را نخواهید دید. وظیفه من این بود که چون جمعش کردم آگاهتان سازم و سپس در حال خواندن این آیه به خانه خود باز گشت: یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا (فرقان، ۲۵/۱۰)

اهمیت دیگر مفاتیح الاسرار در این است که ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام را به نقل از مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۱ ق) نقل می کند.

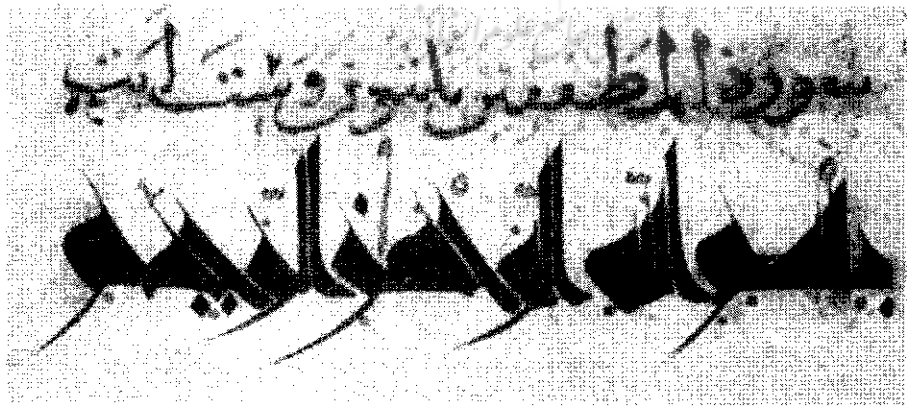
دیگر از اختصاصات مصحف حضرت علی علیه السلام این بوده است که به گفته شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، و بعضی دیگر از محققان، در آن تأویل معانی آیات قرآن نیز وجود داشته بوده است.^{۱۱} دیگر آنکه در آن منسوخ بر ناسخ مقدم بوده است.^{۱۲} نیز گفته اند بسیاری از مبهمات، از جمله نام بعضی از منافقان را [طبعاً در حاشیه] آشکار کرده بوده است. همینهاست که باعث پذیرفته نشدن آن شده و حضرت علیه السلام در عین تأیید مصحف عثمان / امام مصحف خود را برای همیشه پنهان داشته اند و بسیاری از منابع شیعی بر آنند که آن مصحف به نوبت و توارث در دست ائمه علیهم السلام بوده است و اکنون نزد حضرت ولی عصر علیه السلام است.^{۱۳}

آری وجود تاریخی و تفاوت های مصحف حضرت ﷺ مسلم است، اما در وجود عینی آن تا امروز تردیدهای جدی علمی هست. ۱۴

نقد و معرفی

۱. ر. ک. مفتاح الأسرار و مصابیح الأبرار شهرستانی، (تاریخ یعقوبی، نقل به اختصار و تصرف در بعضی عبارات، ۲/ ۱۵-۱۶).
۲. اصول کافی، ۱/ ۲۴۲.
۳. محمود رامیار، تاریخ قرآن/ ۳۶۵-۳۷۳.
۴. همان/ ۳۷۴-۳۷۷.
۵. همان/ ۳۷۸.
۶. المصاحف/ ۱۰، فاهره، المطبعة الرحمانية، ۱۳۵۵ ق/ ۱۹۳۶ م.
۷. الفهرست/ ۳۰، للتدبیر، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب اسحق المعروف بن ابی اسحاق. تحقیق رضا نجفد. طبران، مکتبه الاسدی و مکتبه الجعفری التبریزی. تاریخ مقدمه ۱۳۵۰ ش/ ۱۳۹۱ ق/ ۱۹۷۹ م.
۸. مفتاح الأسرار و مصابیح الأبرار، چاپ عکسی، ص ۱۵.
۹. همان.
۱۰. همان، ۱۲/۱، تحقیق و تعلیق دکتر آدم شب.
۱۱. اوائل المقالات/ ۹۴.
۱۲. زمجانی، تاریخ القرآن/ ۵۴.
۱۳. حقائق هامة/ ۱۶۰.
۱۴. ر. ک. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی و تاریخ قرآن رامیار که منابع بسیاری یاد کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پایگاه
سال هفتم
شماره ۲۸
۱۹۰